

## مهم ترین پیام

سحرای حجاز لبریز از جمعیت است. بیش از صد و بیست هزار نفر! مسلمانان از مدینه، یمن، عراق و هر جای دیگر، خودشان را برای حج به مکه رسانده اند. این دستور پیامبر خداست که هرکس توانایی دارد، خودش را به مراسم حج برساند.



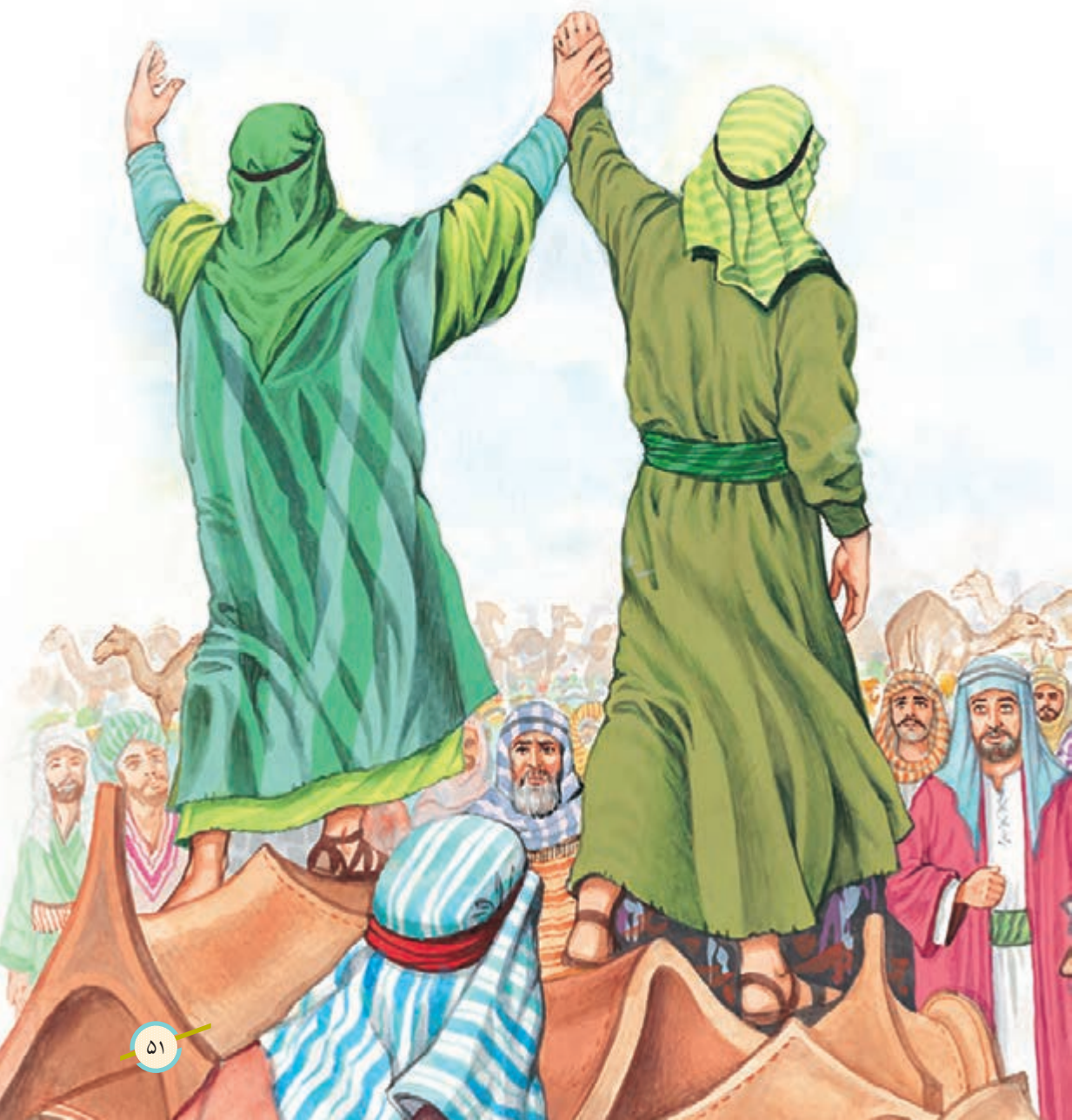
در هنگام مناسک حج، چشم‌ها و گوش‌ها همه متوجه پیامبر خداست. همه می‌خواهند اعمال حج را از خود پیامبر بیاموزند.

فضای مکه تاکنون چنین حال و هوایی را به خود ندیده است. انگار همه چیز در این شهر تازگی دارد، اما آنچه از همه عجیب‌تر است، حالت خود پیامبر است. گویی نگران چیزی است، یا می‌خواهد خبر مهمی را به مردم بدهد که هنوز زمانش فرا نرسیده است....

۱. مناسک حج: عبادات و اعمال مربوط به حج



مناسک حج تمام می شود و مسلمانان در کاروانی بزرگ از مکه خارج می شوند. چند روزی در بیابان های خشک و سوزان راه می روند تا به غدیر خم می رسند؛ جایی که مسیر کاروانیان از هم جدا می شود.



در این هنگام جبرئیل امین نازل می‌شود:

ای پیامبر،  
آنچه را از طرف پروردگارت بر تو نازل شده  
است، [به مردم] برسان!  
و اگر چنین نکنی،  
رسالت او را انجام نداده‌ای!  
و خداوند تو را از [خطرات احتمالی] مردم،  
نگاه می‌دارد.

يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ  
بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ

وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ  
فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ  
وَ اللَّهُ يُعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ

إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ<sup>۱</sup> آری خداوند، کافران را هدایت نمی‌کند.

این چه خبری است که این قدر اهمیت دارد؟

پیامبر خدا بیست و سه سال، با سختی و مشقت تلاش کرد تا دین خدا را بدون هیچ کم و کاستی به مردم برساند و در این راه، نزدیک‌ترین عزیزان و یارانش را از دست داد، شکنجه‌ها و تنهایی‌ها را تحمل کرد، محاصره شد، گرسنگی کشید و بارها جهاد کرد و مجروح شد. حالا این چه پیامی است که اگر آن را به مردم نرساند، زحمت‌های تمام این سال‌هایش به هدر می‌رود؟

این همان خیر مهمی است که مدت‌هاست ایشان را نگران کرده است. او نگران بود مبادا عده‌ای از مردم از سر لجاجت، از این دستور خدا سرپیچی کنند و گمراه شوند. اما اکنون که فرشته وحی دستور خداوند را به ایشان می‌رساند، دیگر نگرانی‌اش برطرف می‌شود. رسول خدا دستور می‌دهد همه کاروانیان از شترها پیاده شوند!

«صبر می‌کنیم تا کسانی که عقب‌ترند به ما برسند. به آنان که جلو رفته‌اند نیز بگوئید همه برگردند!»

مسلمانان با تعجب به یکدیگر نگاه می‌کنند؛

همه می‌دانند که مسئله مهمی پیش آمده است، ولی کسی نمی‌داند چه موضوعی؟

۱. سوره مائده، آیه ۶۷

نزدیک ظهر است و هوا بسیار گرم!

زیر آفتاب سوزان حجاز، عده‌ای عباهایشان را به سر کشیده‌اند و عده‌ای دیگر به سایه شترها پناه برده‌اند.

هنگام نماز فرا می‌رسد و پیامبر خدا به نماز می‌ایستد. مسلمانان نیز همگی به ایشان اقتدا می‌کنند و نماز را به جماعت می‌خوانند.

نماز تمام می‌شود و رسول خدا روی مکان بلندی می‌ایستد.

سکوت همه جا را فرا می‌گیرد و چشم‌های هزاران مسلمان به لب‌های پیامبر دوخته می‌شود...

«ای مردم، مرگ برای هر انسانی حتمی است و من نیز مانند دیگر انسان‌ها خواهم مرد.

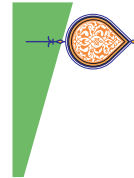
بدانید که من و شما همگی در برابر خداوند و دین مسئولیم. من به وظیفه خود عمل کردم و پیام‌های خدا را به شما رساندم و شما را راهنمایی کردم.

ای مردم، خداوند به من خبر داده است که مرگم نزدیک است. او مرا به سوی خویش دعوت کرده است و من خیلی زود به سوی او خواهم شتافت. پس با شما وداع می‌کنم و برایتان وصیت مهمی دارم.

ای مردم، من از میان شما می‌روم و دو چیز گرانبها را در میان شما باقی می‌گذارم؛ تا وقتی به آن دو پناه ببرید گمراه نخواهید شد. یکی کتاب خدا و دیگری عترت و اهل بیت؛ این دو هرگز از هم جدا نخواهند شد تا آن هنگام که در کنار چشمه کوثر به من ملحق شوند؛ پس خوب مراقب باشید که پس از من با این دو چگونه رفتار می‌کنید».

سخن پیامبر که به اینجا می‌رسد، علی بن ابی طالب علیه السلام را نزد خویش فرا می‌خواند. دست او را می‌گیرد و می‌فرماید:

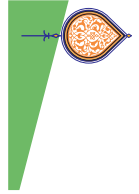
«ای مردم، تاکنون سرپرستی و رهبری شما به عهده من بوده است. آیا من از سوی خدا رهبر و صاحب اختیار شما نبودم؟ آیا من ولی و راهبر شما نبودم؟»



همه جواب می‌دهند: بله ای رسول خدا، تو پیشوا، ولی و صاحب اختیار ما بوده‌ای.

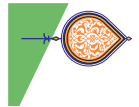
در این هنگام پیامبر رحمت، دست علی علیه السلام را بالا می آورد و با صدایی بلند و رسا می فرماید:

«آگاه باشید، هرکس که من ولیّ و صاحب اختیار او بوده ام، هم اکنون این علی سرپرست و ولیّ اوست. خداوندا، هرکس ولایت علی را پذیرفت، تو نیز او را تحت سرپرستی و ولایت خویش قرار بده؛ خدایا، یاران علی را یاری کن و با دشمنان علی دشمن باش»<sup>۱</sup>.



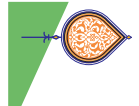
در میان آن جمعیت انبوه، چند نفر سخنان پیامبر را جمله به جمله و با صدای بلند تکرار می کنند تا فرمایش ایشان به کسانی که دورتر نشسته اند نیز برسد. رسول اکرم صلی الله علیه و آله در پایان سخنانشان می فرماید:

« آیا این پیام خداوند را به شما رساندم؟ »



مردم می گویند: بله ای رسول خدا.  
رسول خدا صلی الله علیه و آله می فرماید:

« پس حاضران، این پیام را به غایبان نیز برسانند ».



سخنان ایشان که تمام می شود، مسلمانان گروه گروه پیش می آیند و این افتخار بزرگ را به امیر مؤمنان تبریک می گویند. اصحاب پیامبر پیشاپیش بقیه مسلمانان، ولایت حضرت علی علیه السلام را به ایشان تبریک می گویند و او را مولای خود می نامند. دیگر نشانه ای از نگرانی در چهره پیامبر خدا دیده نمی شد. او این پیام مهم الهی را در حضور ده ها هزار نفر برای مردم بیان کرده است تا برای هیچ کس تردیدی در جانشینی حضرت علی علیه السلام باقی نماند.

۱. بحارالانوار، ج ۳۷، صص ۱۰۸ تا ۲۵۱

هنوز جمعیت از اطراف علی عليه السلام پراکنده نشده‌اند که فرشته وحی، آیه دیگری را برای پیامبر می‌آورد:

امروز،  
کافران از [نابودی] دین شما مأیوس شده‌اند.  
پس از ایشان مترسید  
و از [مخالفت با] من بترسید!  
امروز، دین شما را برایتان کامل کردم،  
و نعمت خود را بر شما تمام گردانیدم،  
و اسلام را برای شما به عنوان آیین [جاویدان]  
برگزیدم.

... الْيَوْمَ  
يَسِّرُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ دِينِكُمْ  
فَلَا تَخْشَوْهُمْ  
وَ اَخْشَوْنِ  
الْيَوْمَ اَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ  
وَ اَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي  
وَ رَضِيْتُ لَكُمُ الْاِسْلَامَ دِينًا

این واقعه را تمام دانشمندان مسلمان در کتاب‌های مهم حدیثی و تاریخی خود ذکر کرده‌اند، به گونه‌ای که برای هیچ مسلمانی (شیعه و سنی) تردیدی در اصل این ماجرا و سخنان پیامبر اکرم صلى الله عليه وآله وسلم وجود نداشته و ندارد.

